



روش فهم و تبیین گزاره های دینی (قرآن و حدیث)

پدیدآورنده (ها) : پسندیده، عباس

علوم قرآن و حدیث :: حدیث و اندیشه :: دوره جدید، بهار و تابستان 1386 - شماره 3
(ISC)

از 33 تا 47

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/365019>

دانلود شده توسط : محمد جعفری

تاریخ دانلود : 10/07/1399

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

روش فهم و تبیین گزاره‌های دینی (قرآن و حدیث)

عباس پسندیده

چکیده

هر گزاره اخلاقی، معمولاً مؤلفه‌هایی دارد که باید رابطه میان آنها را به دست آورد. لذا هر گزاره‌ای به «تبیین» نیاز دارد تا چرایی و چگونگی رابطه را توضیح دهد. این مهم، از یک سو، زمینه‌ساز کاربردی کردن آموزه‌های دین در زندگی است و از سوی دیگر، مقدمه‌ای برای تولید علم و نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی است.

از نظر روش‌شناسی، «تبیین» از راه «ترجمه» به دست نمی‌آید؛ بلکه نیازمند فهم لایه‌های عمیق‌تری است که آن را «فهم پیشرفته متن» می‌نامیم. روش تبیین در گزاره‌های دینی چنین است که نخست، باید مؤلفه‌ها را شناسایی کرد و سپس، ویژگی‌های آنها را - که به چگونگی روشن شدن مسئله کمک می‌کنند -، از خود متون دینی، استخراج نمود. آن گاه با اطلاعات به دست آمده، به بررسی چگونگی ارتباط بین آنها پرداخت و وجه یا وجوه تبیین را به دست آورد و بر اساس آن، آیه یا روایت را تبیین نمود.

کلید واژه‌ها: گزاره‌های اخلاقی، لایه‌های معنایی، مؤلفه‌های معنایی، خانواده حدیث،

روش فهم

یکی از احساس‌هایی که کم و بیش، برخی از دانشجویان علوم قرآن و حدیث، آن را تجربه کرده یا می‌کنند، احساس خلأ علمی است. دانشجو با تصویری خاص، وارد دانشکده می‌شود؛ ولی پس از مدتی، میان انتظار خود با واقعیت‌ها، درهای عمیق احساس می‌کند و این احساس، خود، موجب احساس پوچی و بیهودگی در او می‌شود و بحران هویت، ایجاد می‌کند. همچنین ممکن است این احساس به دانشجویان هجوم آورد که موضوع تحصیلشان، امری تاریخی و مربوط به

گذشته است و با زندگی امروزی و قافله علمی عصر حاضر، فاصله‌ای بسیار دارد. از سوی دیگر، میدان مانور و خلاقیت را در پژوهش، بسته و تنگ می‌بینند؛ چرا که ده‌ها و بلکه صدها سال است برجسته‌ترین محققان علوم دینی، بر روی این موضوعات کار کرده‌اند و لذا تصور می‌کنند که راه نایموده و فضای پژوهش نشده، کمتر وجود دارد.

همه اینها به خاطر این است که در گزاره‌های دینی، به متن و معارف نهفته در آنها، کمتر پرداخته می‌شود و در فهم متن نیز از ظاهر و پوسته آن، به لایه‌های عمیق‌تر، نفوذ نمی‌شود. تجربه نشان داده که گزاره‌های دینی، از چنان غنایی برخوردارند که سال‌های سال، می‌توانند تغذیه کننده دانش تجربی در حوزه علوم انسانی باشند. پیش از هر چیز، باید نگرش به قرآن و حدیث را تصحیح کرد. قرآن و حدیث را نباید محصول فرهنگی آماده‌ای پنداشت؛ بلکه آنها را باید منبع و سرمایه‌ای دانست که قابلیت‌های علمی فراوانی دارند و هر چند ثابت می‌نمایند، اما قابلیت فرآوری‌های متعدّد و گوناگونی در گذر زمان دارند. مهم این است که راه آن را بدانیم و چگونگی کار با متون دینی را بشناسیم. مشکل این نیست که موضوع تحصیل، متون قدیمی و تاریخی‌اند؛ بلکه مشکل اساسی، فقدان مهارت لازم برای فهم حدیث و پژوهش در این قلمرو است. متن ساکت قرآن و حدیث را باید به سخن درآورد^۱ و این کار، نیازمند مهارت است. اگر دانشجو به صورتی روشمند حرکت کند، همیشه می‌تواند پژوهش‌های روزآمد و کارآمد داشته باشد و نه تنها از قافله علم عقب نمی‌ماند؛ بلکه به تناسب فعالیت خود، جلوتر از علم نیز خواهد بود.

دانشجویان، باید خود را برای فهم لایه‌های عمیق‌تر متون دینی - که، آن را «فهم برتر متن» می‌نامیم -، آماده کنند. فهم برتر متن، هیجان انگیزترین بخش فعالیت‌های علمی در قلمرو حدیث، و گسترده‌ترین میدان برای خلاقیت و نبوغ است. مراد از فهم برتر، کشف قوانین علمی پنهان در متن است. این، از اصول بنیادین است که گزاره‌های دینی (قرآن و حدیث)، مبتنی بر یک سری قوانین هستند؛ یعنی قوانینی وجود دارند که خداوند متعال و سپس معصومان علیهم‌السلام از آنها باخبرند و به هنگام نیاز، با توجه به آن قوانین، آموزه‌هایی را برای ما بیان می‌کنند که در قالب آیه یا حدیث، نمود پیدا می‌کند.

باید توجه داشت که آنچه ما در ظاهر آیه یا حدیث مشاهده می‌کنیم، قوانین علمی نیستند؛ بلکه الفاظی هستند که براساس قوانین مورد نظر، صادر یا نازل شده‌اند. اوج فعالیت‌های علمی و هیجان انگیزترین بخش آن برای یک پژوهشگر دینی، کشف این قوانین است. این قوانین، هم زندگی‌سازند، و هم در بسیاری موارد، حرف‌هایی نو برای دانش تجربی دارند. امروز، رشته‌های مختلف علوم انسانی، نیاز شدیدی به پژوهشگرانی دارند که بتوانند قوانین پنهان متون دینی را در

۱. از این حقیقت، در ادبیات دین، با عنوان «استطاق» یاد می‌شود.

زمینه‌های مختلف، کشف کرده، در اختیار آنان قرار دهند. از سوی دیگر، مردم نیز برای رسیدن به زندگی بهتر، به آموزه‌های دین در این باره نیازمندند و همه اینها، نشان از قلمرویی بکر و آماده دارد که کارشناسان حدیث را به کار، فرا می‌خواند.

تشریح موضوع

موضوع این مقاله، «تبیین» یک گزاره اخلاقی است. مراد از تبیین، بیان و روشن ساختن رابطه میان دو یا چند مفهوم در یک گزاره اخلاقی است. در هر گزاره اخلاقی، دو یا چند مفهوم وجود دارد که برای فهم دقیق و کامل حدیث، نیاز به تبیین و توضیح رابطه میان آنهاست. برای روشن شدن این بحث، به چند مثال توجه فرمایید:

۱. پیامبر خدا، درباره رابطه خوش اخلاقی و دوستی می‌فرماید:

حُسْنُ الْخُلُقِ يَثْبُتُ الْمَوَدَّةَ (تحف العقول: ص ۴۵).

خوش اخلاقی، دوستی را استوار می‌سازد.

در این حدیث شریف، دو پدیده وجود دارد: یکی «حُسْنُ خُلُقٍ» و دیگری «تَثْبِيتِ دوستی» که پیامبر اکرم، میان آنها رابطه برقرار نموده است.

۲. همچنین ایشان، درباره خیانت و امانت می‌فرماید:

الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الرِّزْقَ، وَالْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ (همان جا).

امانتداری، روزی را جلب می‌کند و خیانت، فقر را جلب می‌کند.

این گزاره اخلاقی، دو قسمت دارد و در هر کدام، رابطه‌ای میان دو پدیده، مطرح شده است. در قسمت نخست، میان «امانتداری» و «روزی»، و در قسمت دوم، میان «خیانت در امانت» و «فقر»، رابطه برقرار شده است.

۳. امام صادق علیه السلام درباره نقش خوش اخلاقی در گوارا شدن زندگی می‌فرماید:

لَا عَيْشَ أَهْنًا مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ (علل الشرائع: ص ۵۶۰ ح ۱).

زندگی‌ای گوارا تر از خوش اخلاقی نیست.

در این گزاره اخلاقی، صحبت از رابطه میان «خوش اخلاقی» و «گوارایی زندگی» است.

۴. امام صادق علیه السلام درباره بداخلاقی می‌فرماید:

مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذِبَ نَفْسِهِ (الكافی: ج ۲ ص ۳۲۱ ح ۴).

هر کس بداخلاق باشد، خود را آزار داده است.

در این حدیث، امام علیه السلام میان «بداخلاقی» و «آزار روانی»، رابطه برقرار کرده است.

نمونه‌هایی از این گونه گزاره‌ها در متون دینی فراوان‌اند. آنچه به بحث ما مربوط می‌شود، تبیین چگونگی رابطه میان این پدیده‌هاست. باید دانست که صرف آگاهی از یک رابطه، کافی نیست. مهم، فهم و تبیین «چگونگی و چرایی» رابطه است. در حدیث نخست، صحبت از رابطه میان خوش‌اخلاقی و تثبیت دوستی بود؛ اما مهم این است که بدانیم خوش‌اخلاقی، چرا و چگونه موجب تثبیت دوستی می‌گردد.

در حدیث دوم، صحبت از رابطه «امانتداری با جلب‌روزی» و «خیانت با جلب فرق» می‌شود؛ اما مهم این است که ببینیم چگونه ممکن است امانتداری، روزی را زیاد کند و خیانتکاری، فقر را؛ با این که شاید به نظر رسد فرد خیانتکار، ممکن است مال بیشتری به دست آورد و امانتدار، کمتر. در حدیث سوم، رابطه میان «خوش‌اخلاقی» و «گوارایی زندگی» مطرح شده است. این که بدانیم میان این دو رابطه‌ای برقرار است، یک مطلب است و این که چرایی و چگونگی این تأثیر را بدانیم، مطلب دیگری است. ممکن است گفته شود عامل گوارایی زندگی و رضامندی از آن، برخورداری از ثروت، قدرت، شهرت و... است. لذا باید چگونگی این تأثیر را کشف و تبیین نمود. و در نهایت، در حدیث چهارم، هر چند صحبت از رابطه میان «بداخلاقی» و «آزار روانی» است؛ ولی مهم این است که تبیین شود چگونه بداخلاقی این تأثیر را دارد.

بنا بر آنچه بیان شد، معنای تبیین و موضوع این نوشتار، روشن شد. همچنین مشخص شد که تبیین با ترجمه متفاوت است. کار ترجمه «برگرداندنی» است، نه تبیین. در ترجمه، یک حدیث فقط از زبان عربی به فارسی برگردانده می‌شود، ولی تبیین آن به دست نمی‌آید. حتی کسانی که هم‌زبان متون دینی است، به تبیین نیازمندند. نیاز ما به تبیین، به جهت تفاوت زبان نیست؛ بلکه به جهت نیاز به آگاهی از چگونگی رابطه میان مفاهیم و مؤلفه‌هاست و این کار با ترجمه به دست نمی‌آید.

اهمیت تبیین گزاره‌های دینی

پس از آن که مشخص شد مراد از تبیین گزاره‌ها چیست، پرسش دوم این است که: چه نیازی به تبیین گزاره‌های دینی وجود دارد و ضرورت آن چیست؟ پاسخ این پرسش را باید در مسئله مهم احیای منطق معصومان^ع برای پیروی مردم از آنان، جستجو کرد.

یکی از مسائل مهم درباره معصومان^ع پیروی نکردن مردم از آنان است که موجب تضعیف موقعیت سیاسی - اجتماعی آنان شده و جامع را از نعمت راهبری و هدایت توسط آنان، محروم ساخته است.^۱ این یک واقعیت اجتماعی است و در علت‌شناسی این واقعیت، ممکن است به عوامل

۱. در ادبیات دین، از این حقیقت، با عنوان «استضعاف» یاد می‌شود. استضعاف، انواعی دارد که یکی از آنها استضعاف اجتماعی - سیاسی است. در این نوع، کسی که صاحب ولایت و حق حاکمیت است، در موضع ضعف قرار می‌گیرد و به خلافت و فرمان‌روایی نمی‌رسد. این حقیقت، در آیه ۱۵۰ سوره اعراف آمده، آن‌جا که هارون به موسی^ع می‌گوید: «إِنَّ

متعددی برخوردار کنیم که یکی از آنها ناآگاهی مردم از منطق اهل بیت علیهم السلام است. عبد السلام بن هروی می گوید:

سمعت أبا الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام يقول: رحم الله عبداً أحيا أمرنا! فقللت له: و كيف يحيى أمركم؟ قال: يتعلم علمونا و يعلمها الناس، فإن الناس لو علموا محاسن كلامنا لأتبعونا (عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ۲ ص ۲۷۵ ح ۶۹).

از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: «رحمت خدا بر کسی که امر ما را زنده کند!». به ایشان گفتم: چگونه امر شما را زنده می کند؟ فرمود: «علوم ما را فرا می گیرد و به مردم می آموزد؛ چرا که اگر مردم از زیبایی های کلام ما آگاه شوند، هر آینه، از ما پیروی خواهند کرد».

در این حدیث شریف، به دو مسئله مهم، اشاره شده است: یکی آموختن علوم اهل بیت علیهم السلام، و دیگری آموزش آن است به مردم، به گونه ای که زیبایی های آن برای مردم، روشن گردد. این، رسالت کسانی است که در قلمرو دین، بویژه حدیث، فعالیت دارند. آن چیزی که زیبایی های کلام اهل بیت علیهم السلام را روشن می کند و هم در فرآیند تعلیم، و هم در فرآیند تعلم، حرف اول را می زند، تبیین است. همچنین، یکی از ضعف های کسانی که به ترویج و گسترش معارف اهل بیت علیهم السلام می پردازند، «ضعف تبیین» است. وقتی قدرت تبیین کم باشد، از ادبیات توصیه ای به جای ادبیات تبیینی استفاده می شود. در این رویکرد، فرد به جای دادن اطلاعات لازم درباره موضوع، به گونه ای تحکمی سخن می گوید و انتظار دارد که مردم، بی چون و چرا، حرف او را بپذیرند. این ادبیات، همراه با امر و نهی است و برای قبولاندن آن به مردم، از اهرم اعتقادات استفاده شده، از مردم خواسته می شود که چون این سخن از امام معصوم است، آن را بپذیرند و بدان، عمل کنند. بدیهی است این ادبیات، مخاطب را اقناع نمی کند، هر چند ممکن است برای اسکات کوتاه مدت وی، مناسب باشد. این در حالی است که پیشوایان دین، خود، رویکرد تبیینی داشته اند و در بسیاری موارد، همراه با توصیه، تبیین نیز می کرده اند.

یکی از ویژگی های انسان، پرسشگری اوست. عشق به دانستن و توسعه آگاهی، انسان را بر آن می دارد که همواره نسبت به پدیده ها با دیده سؤال بنگرد. از این رو، وقتی با یک گزاره حدیثی رو به رو می شود که رابطه ای را بیان کرده است، فوراً این سؤال در ذهن او نقش می بندد که: «چرا؟». پاسخ به این گونه پرسش ها نیازمند تبیین است که متأسفانه، کمتر شاهد آن هستیم. به همین جهت، تبیین روشمندان حدیث، ضرورت می یابد. تبیین، از امور مهم در پژوهش های حدیثی و از

الْقَوْمَ اسْتَعْمَرُنِي وَكَادُوا يُنْكَرُونِي. این حقیقت، بارها توسط پیشوایان دین، برای تبیین دلیل خانه نشینی آنان، مورد تأکید قرار گرفته است.

در حدیث

روشن فهم و تبیین گزاره های بنی (قرآن و حدیث)

جمله پژوهش در روایات اخلاقی است. به وسیله تبیین، زوایای پنهان موضوع، روشن شده، پرسش‌ها پاسخ داده می‌شوند.

روش تبیین گزاره‌های دینی

در این بحث به بررسی روش‌ها و مراحل تبیین یک گزاره دینی (حدیث) می‌پردازیم. مراحل این روش، عبارت‌اند از:

۱. تعیین مؤلفه‌ها

در مرحله نخست، متن حدیث، مطالعه می‌شود و دو یا چند مؤلفه‌ای که باید رابطه میان آنها تبیین شود، مشخص می‌شوند و پرسش یا پرسش‌های بحث، به صورت دقیق، مشخص می‌شوند. برای روشن شدن این مطلب، بحث را با دو مثال پی می‌گیریم.

مثال اول. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

من کثر مناه قلّ رضا (غرر الحکم: ح ۷۳۰۴؛ عیون الحکم و المواعظ: ص ۴۲۴).
هر کس آرزوهایش بسیار شود، رضایت او کم می‌شود.

در این حدیث، دو متغیر وجود دارد: یکی «آرزو» و دیگری «رضامندی». رابطه‌ای که میان این دو مطرح شده، این است که «کثرت آرزو»، موجب «کاهش رضامندی» می‌گردد. بنا بر این، سؤال این است که: چه رابطه‌ای میان کثرت آرزو و کاهش رضامندی وجود دارد و چگونه کثرت آرزو، موجب کاهش رضامندی می‌گردد؟
مثال دوم. امام صادق علیه السلام خطاب به ابو بصیر می‌فرماید:

یا ابا محمد! اذکر تقطع اوصالک فی قبرک و رجوع اجناتک عنک إذا دفنوک فی حفرتک و خروج بنات الماء من منخزیک و اکل الدود لحمک؛ فإن ذلک یسلی عنک ما أنت فیہ (غرر الحکم، ح ۷۳۰۴؛ عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۲۴).

ای ابو محمد! به یاد آور جدا شدن بند بندت را، و بازگشت دوستانت را هنگامی که تو را در قبر، دفن می‌کنند، و خارج شدن کرم‌ها را از بینی‌ات، و خوردن کرم‌ها، گوشت بدنت را، که این کار، وضعیتی را که در آن هستی، بر تو آسان می‌گرداند.

ابو بصیر می‌گوید: به خدا سوگند، هیچ گاه مرگ را یاد نکردم، مگر آن که اندوهی که از امر دنیا داشتم، تسکین یافت.

در قسمت نخست حدیث، صحبت از مرگ و حوادث پس از آن به میان آمده است و در قسمت دوم، از آسان شدن مصیبت‌ها. بنا بر این، متغیرهای این حدیث، عبارت‌اند از: «یاد مرگ» و «آسان شدن مصیبت‌ها». سؤال این است که: چه رابطه‌ای میان یاد مرگ و آسان شدن مصیبت‌ها وجود دارد و چگونه یادآوری مرگ، موجب کاهش فشارهای روانی بر فرد می‌گردد؟

ادبیات

دو فصلنامه علمی - تخصصی - شماره سوم بهار و تابستان ۸۶

۲. شناسایی ویژگی‌ها

برای تبیین متغیرها، باید ویژگی‌های آنها را شناخت. شناخت ویژگی‌ها به ما کمک می‌کند که چگونگی رابطه میان آنها را تشخیص دهیم. اما سؤال این است که: چگونه می‌توان به این ویژگی‌ها دست یافت؟

برای این منظور، دو کار مهم باید صورت گیرد: یکی جمع‌آوری روایاتی که ممکن است به امر تبیین، کمک کنند، و دیگری، بررسی و استخراج ویژگی‌ها و نکات مؤثر در تبیین. بنا بر این، بحث را با این دو مسئله، پی می‌گیریم:

۱-۲. جمع‌آوری روایات

برای یافتن ویژگی‌های روایت، باید روایات مشابه را که در بر دارنده ویژگی‌های مشترک هستند، جستجو و جمع‌آوری نمود. این، همان چیزی است که از آن با «خانواده حدیث» یاد می‌شود. البته نباید فراموش کرد که خانواده حدیث، در هر تحقیقی متناسب با همان تحقیق، شکل می‌گیرد. برای مثال، اگر موضوع تحقیقی، بررسی روایات درباره آرزو و یاد مرگ باشد، باید تمامی روایات مربوط به این دو موضوع را جمع‌آوری کرد؛ اما اگر موضوع تحقیق، تبیین دو متغیر در این دو موضوع باشد، باید روایاتی را جمع‌آوری نمود که به همین مسئله مرتبط باشند، نه تمام روایات این دو موضوع را. بنا بر این، مراد از خانواده حدیث، در این جا، مجموعه احادیثی است که در تبیین حدیث، تأثیر دارند و می‌توانند رابطه میان مؤلفه‌ها را توضیح دهند.

خانواده حدیث مثال اول:

۱. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

تجنّبوا المنی؛ فإنّها تذهب بهجة ما خولتم، و تستصغرون بها مواهب الله تعالی عندکم، و تعقبکم الحشرات فیما وهمتم به أنفسکم (الکافی: ج ۵ ص ۸۵ ح ۷).

از آرزوها [ی طولانی] بپرهیزید؛ زیرا نشاط آنچه را به شما داده شده، از میان می‌برد و به خاطر آن، مواهب‌های خدا را که نزد شماست، کوچک می‌شمرد و حسرت خوردن در خیال‌های باطل را به دنبال می‌آورد.

۲. ایشان، در کلام دیگری می‌فرماید:

تجنّبوا المنی؛ فإنّها تذهب بیهجة نعم الله عندکم، و تلزم استصغارها لیدکم، و علی قلّة الشکر منکم (غرر الحکم: ح ۷۳۹۸).

از آرزوها [ی طولانی] بپرهیزید؛ زیرا نشاط نعمت‌های خدا را که نزد شماست، از میان می‌برد و آنها را نزد شما کوچک می‌سازد و شما را به کم سپاس گزاردن وا می‌دارد.

۳. امام علی علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ حَضْرَةٌ تَفْتِنُ النَّاسَ بِالشَّهَوَاتِ وَتَزِينُ لَهُمْ بِعَاجِلِهَا، وَ أَيْمَ اللّٰهِ أَنَّهُا لَتَعْرَ مِنْ أَمَلِهَا
وَ تَخْلَفُ مِنْ رَجَاهَا (الكافي: ج ۸ ص ۲۵۶ ح ۳۶۸؛ بحار الأنوار: ج ۳۲ ص ۲۳۳ ح ۱۸۶).
همانا دنیا، شیرین و زیباست؛ مردم را با شهوات، مفتون می سازد و با پدیده های
زودگذرش برای آنان، ظاهر سازی می کند. به خدا سوگند، دنیا، هر کس را که به آن
آرزومند باشد، فریب می دهد و هر کس را که به آن امید داشته باشد، ناامید می سازد.

۴. امام علی علیه السلام می فرماید:

الأمل كالسراب، يغرّ من رآه و يخلف من رجاه (عمر الحکم: ج ۷۲۰۷؛ عیون الحکم و
المواعظ: ص ۵۷).
آرزو، مثل سراب است؛ کسی را که به آن نگاه کند، می فریبد و کسی را که به آن امید
بندد، ناامید می سازد.

۵. امام علی علیه السلام می فرماید:

من أمل ما لا يمكن، طال ترقبه.
هر که آنچه را ناممکن است، آرزو کند، انتظار او طولانی [و بی پایان] خواهد بود.
ع ایشان، در همین باره می فرماید:
من أمل الری من السراب، خاب أمله و مات بمعطشه (عمر الحکم: ج ۲۳۷۴؛ عیون
الحکم و المواعظ: ص ۴۲۵).
هر کس از سراب، آرزوی سیراب شدن داشته باشد، آرزیش ناامید می شود و با تشنگی
می میرد.

۷. ایشان، در کلام دیگری می فرماید:

من سعی فی طلب السراب، طال تعبہ و کثر عطشه (عمر الحکم: ج ۲۳۷۵؛ عیون الحکم
و المواعظ: ص ۴۲۵).

هر که در پی سراب، روان شود، زحمت او طولانی می گردد و تشنگی اش افزون شود.

۸. امیر مؤمنان، در روایت دیگری، این چنین به این واقعیت اشاره کرده است:

من کثر مناه، کثر عنائه (عمر الحکم: ج ۷۳۰۶؛ عیون الحکم و المواعظ: ص ۴۵۹).
هر کس آرزوهایش زیاد شود، سختی هایش فراوان می شوند.

خانواده حدیث مثال دوم:

۱. امام علی علیه السلام:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أديموا ذكر هادم اللذات. قالوا: يا رسول الله! و ما هادم اللذات؟ قال:
الموت؛ فإنه من أكثر ذكر الموت، سلا عن الشهوات، و من سلا عن الشهوات، هانت

عليه المصيبات، و من هانت عليه المصيبات، سارع في الخيرات (مسند زيد، ص ۳۸۶). پیامبر خدا فرمود: «همواره، قطع کننده لذت‌ها را یاد کنید». گفتند: ای پیامبر خدا! قطع کننده لذت‌ها چیست؟ فرمود: «مرگ. همانا کسی که بسیار به یاد مرگ باشد، از شهوت‌ها جدا می‌شود، و کسی که از شهوت‌ها جدا شود، مصیبت‌ها بر او آسان می‌گردد، و کسی که مصیبت‌ها بر او آسان شد، در خیرات، شتاب می‌گیرد».

۲. پیامبر ﷺ می‌فرماید:

أكثروا من ذكر هادم اللذات؛ فإنكم إن كنتم في ضيق، وسعه عليكم فرضيتم به فأنتيم، و إن كنتم في غنى بغضه ليكم فجُدتم به فأجرتم (اعلام‌الدين ديلمی، ص ۳۳۵). قطع کننده لذت‌ها را بسیار یاد کنید؛ زیرا اگر شما در تنگنا باشید، آن را برای شما می‌گشاید، پس، از آن رضایت پیدا می‌کنید و در نتیجه، ثواب می‌برید، و اگر در توانگری باشید، آن را مبنفوض شما می‌گرداند، پس بخشنده می‌شوید و در نتیجه، پاداش می‌گیرید.

۳. پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید:

أكثروا ذكر هادم اللذات؛ فإنه لم يذكره أحد في ضيق من العيش، إلا وسعه عليه، و لا ذكره في سعة، لما ضيقها (کنز العمال، ج ۱۵، ح ۴۲۰۹۷). بسیار به یاد قطع کننده لذت‌ها باشید؛ زیرا هیچ کس آن را در تنگنای زندگی به یاد نمی‌آورد، مگر این که زندگی را بر او می‌گشاید، و هیچ گاه در گشایش آن را به یاد نمی‌آورد، مگر آن که آن را تنگ می‌کند.

۴. پیامبر ﷺ می‌فرماید:

أكثروا ذكر الموت؛ فإنه يمحص الذنوب و يزهد في الدنيا، فإن ذكرتموه عند الغنى هدمه، و إن ذكرتموه عند الفقر أراضكم بعيشكم (کنز العمال، ج ۱۵، ص ۵۴۳، ح ۴۲۰۹۸). مرگ را بسیار یاد کنید؛ چرا که گناهان را می‌زداید و انسان را نسبت به دنیا، بی‌رغبت می‌گرداند. از این رو، اگر آن را هنگام توانگری یاد کنید، از میان می‌برد، و اگر هنگام نداری آن را یاد کنید، شما را از زندگی تان راضی می‌گرداند.

۲-۲. بررسی روایات و ثبت نکته‌ها

در این مرحله، خانواده حدیث، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بررسی، با دقت تمام، باید تک تک احادیث، مطالعه می‌شوند و نکته‌های مهم و کلیدی‌ای که می‌توانند در کار تبیین، مؤثر باشند، شناسایی شده، ثبت شوند. این کار، مهارت خاص خود را می‌طلبد. در این مرحله، محقق باید این ویژگی‌ها را که لا به لای متون پراکنده که به صورت‌های مختلف بیان شده‌اند، شناسایی کند و به نمایه تبدیل کرده، آنها را ثبت کند. این کار، مواد لازم برای تبیین حدیث و توضیح رابطه‌ها را در

اختیار محقق، قرار می‌دهد. برای روشن شدن این بحث، نمونه‌های خانواده حدیث اول و دوم را بررسی و نکات مهم آنها را ثبت می‌کنیم:

بررسی خانواده حدیث مثال اول

از منظر ویژگی‌شناسی، در احادیث یاد شده، این ویژگی‌ها به چشم می‌خورد:

■ حدیث نخست: «از میان رفتن بهجت نعمت»، «کوچک شمردن نعمت» و «حسرت خوردن».

■ حدیث دوم: «از میان رفتن بهجت»، «کوچک شمردن نعمت» و «کاهش شکرگزاری».

■ حدیث سوم: «فریندگی».

■ حدیث چهارم: «فریندگی» و «ناامید ساختن».

■ حدیث پنجم: «انتظار بی‌پایان».

■ حدیث ششم: «ناامیدی» و «ناکامی».

■ حدیث هفتم: «طولانی شدن رنج» و «افزایش نیاز».

■ حدیث هشتم: «افزایش دشواری».

پس از حذف تکراری‌ها، آنچه باقی می‌ماند، عبارت است از: «از میان رفتن بهجت نعمت»، «کوچک نعمت»، «حسرت خوردن»، «کاهش شکرگزاری»، «فریب دادن»، «انتظارِ پایان‌پذیر»، «ناامیدی»، «ناکامی»، «افزایش درد و رنج» و «افزایش نیازمندی».

بررسی خانواده حدیث مثال دوم

از منظر ویژگی‌شناسی، در احادیث نمونه دوم، این ویژگی‌ها به چشم می‌خورد:

■ حدیث اول: «قطع کننده لذت‌ها». در این حدیث، تصریح شده که یاد مرگ، انسان را از شهوت‌ها جدا می‌کند و لذا مصیبت‌ها بر او آسان می‌گردد.

■ حدیث دوم: «قطع کننده لذت‌ها». در این حدیث نیز بیان شده که به جهت همین ویژگی‌ای که یاد مرگ دارد، یادآوری آن هنگام مصیبت، موجب خارج شدن از تنگنای روحی می‌شود.

■ حدیث سوم: «قطع کننده لذت‌ها». در این حدیث نیز همان مطلب حدیث دوم، بیان شده است.

■ حدیث چهارم: «بی‌رغبتی به دنیا». در این حدیث، از پاک شدن گناهان نیز از شمار ویژگی‌های یاد مرگ یاد شده؛ ولی به نظر می‌رسد این ویژگی، ارتباطی با کاهش فشارهای روانی ندارد. لذا از ذکر آن، خودداری شد. در این حدیث، تصریح شده که یاد مرگ، به خاطر بی‌رغبت کردن انسان به دنیا، فشارهای روانی را کاهش داده، موجب رضامندی می‌گردد.

تبصره ۱

ممکن است در فرآیند بررسی احادیث، روشن شود که تحقیق، نواقصی دارد. در این صورت، محقق باید با جستجوی جدید، تحقیق را تکمیل کرده، روایات را بررسی نماید. این کار، تا هر مقدار که لازم باشد، تکرار می‌شود.

تبصره ۲

در فرآیند بررسی و استخراج ویژگی‌ها، می‌توان از مشورت و مطالعه استفاده کرد. البته بهتر است این کار، پس از بررسی‌های اولیه صورت گیرد.

۳. بررسی چگونگی ارتباط

پس از شناسایی و استخراج ویژگی‌ها، نوبت به جمع‌بندی و تجزیه و تحلیل ویژگی‌ها فرا می‌رسد تا وجه یا وجوه تبیین به دست آیند و سپس، چگونگی ارتباط، توضیح داده شود. بدین منظور، دو کار باید صورت گیرد:

۳-۱. تعیین وجه یا وجوه تبیین

وجه تبیین را باید از ویژگی‌ها به دست آورد. ویژگی‌های جمع‌آوری شده، یا واحد است و یا متعدد. اگر یکی است، باید به تجزیه و تحلیل آن پرداخت تا وجه تبیین، به دست آید و اگر چند ویژگی است، باید آنها را تحلیل کرد تا روشن شود آیا همگی به یک وجه بر می‌گردند یا بیانگر چند وجه هستند. مثلاً از بررسی نمونه اول خانواده حدیث، نه ویژگی برای آرزو (أمل) به دست آمد. در بررسی این ویژگی‌ها، به نظر می‌رسد می‌توان آنها را در چهار گروه، طبقه‌بندی کرد:

الف) از میان رفتن بهجت، کوچک شمردن نعمت و کاهش شکرگزاری، مربوط به داشته‌های حال انسان بوده، بر این مدار می‌چرخند.

ب) حسرت خوردن، به خاطر برآورده نشدن خواسته‌ها، فریب خوردن، ناامید شدن و احساس ناکامی نیز مربوط به آینده‌ای می‌شوند که فرد برای خود، تصور می‌کند.

ج) افزایش قلمرو نیازمندی، یک عامل مستقل است.

د) افزایش درد و رنج نیز عاملی مستقل است.

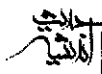
همچنین در بررسی نمونه دوم خانواده حدیث، دو ویژگی برای یاد مرگ به دست آمد که تجزیه و تحلیل آنها نشان می‌دهد هر یک وجه مستقلی به شمار می‌روند. این دو وجه عبارت‌اند از:

الف) انهدام لذت‌جویی؛

ب) بی‌رغبتی به دنیا.

۳-۲. سنجش یافته‌ها

پس از به دست آوردن یافته‌ها، باید آنها را به محک گذاشت تا صحت مطالب به دست آمده و هماهنگی آنها با متون دینی، اثبات شود. در صورت تأیید مطلب، می‌توان وارد مرحله بعد شد و در



غیر این صورت، باید نواقص را پیدا نمود و فرایند گذشته را تکرار کرد تا پاسخ صحیح به دست آید. این که روش سنجش چیست و چگونه می‌توان صحت یافته‌ها را تأیید کرد، پرسش‌هایی است که باید پس از مطالعه بیشتر و شاید در فرصتی دیگر، به آنها پرداخت.

۳-۳. توضیح رابطه

با تکیه بر وجه یا وجوه به دست آمده، اکنون می‌توان به توضیح رابطه پرداخت. در این مرحله و پس از روشن شدن وجوه تبیین، قدرت تحلیل و خلاقیت محقق، نقش تعیین کننده دارد. بدون این ویژگی، کار تبیین، ناتمام می‌ماند. برای کسب مهارت در این زمینه، دقت و تأمل بیشتر، و مطالعه آثاری که دارای تبیین هستند و نیز تمرین شخصی، مؤثر خواهند بود.

ناگفته نماند در مواردی که چند وجه برای توضیح رابطه وجود دارد، باید هر یک را مستقل از دیگری در نظر گرفت و به تبیین آن پرداخت. در ادامه، با تکیه بر وجوه به دست آمده از روایات، به تبیین دو مثال محوری درس می‌پردازیم:

تبیین مثال اول

در حدیث نخست، باید رابطه میان کثرت آرزو و کاهش رضامندی، تبیین و توضیح داده شود. در بررسی خانواده حدیث این نمونه، به چهار وجه دست یافتیم. بر این اساس، رابطه یاد شده را می‌توان این گونه توضیح داد:

(الف) آرزوی دور و دراز، چون نگاهش به آینده و نداشته‌های زندگی است، از نعمت‌های حال، غافل می‌شود و لذا فرد، از آنها لذت نمی‌برد و آنها را ناچیز می‌شمرد و به احساس محرومیت، دچار می‌شود. بدیهی است که چنین شخصی نمی‌تواند از زندگی خود، راضی باشد (رابطه آرزو و عدم رضامندی). بنا بر این، هر چه بر میزان آرزو افزوده شود، سطح رضامندی کاهش می‌یابد.

(ب) آرزوهای دور، تحقق ناپذیرند و لذا، انسان را در تحقق خواسته‌هایش فریب داده، به انتظاری بی‌پایان، مبتلا می‌سازند و موجب ناامیدی و حسرت‌زدگی وی می‌شوند. طبیعی است که در چنین شرایطی، کسی نمی‌تواند احساس رضامندی داشته باشد و هر چه بر میزان آن افزوده شود، درجه رضامندی او کاهش می‌یابد.

(ج) آرزو را برای بهتر شدن زندگی می‌خواهیم؛ ولی آرزوهای دور، میزان نیازمندی انسان را افزایش می‌دهند و هر چه بر میزان آنها افزوده شود، قلمرو نیازمندی نیز افزایش می‌یابد و بدین سان، انسان، بیشتر و بیشتر احساس محرومیت خواهد کرد. بدیهی است که در این شرایط، میزان رضامندی فرد، کاهش می‌یابد.

(د) به سبب آنچه گفته شد، افزایش آرزوها، موجب افزایش درد و رنج آدمی می‌گردد. انسانی که

احساس می‌کند چیزی برای بالیدن به آن ندارد و به آنچه می‌خواسته، نرسیده است، پیوسته بر میزان نیازمندی او افزوده می‌شود و در تنگنا و فشار روانی‌ای قرار می‌گیرد که درد و رنج فراوانی را بر وی، تحمیل می‌کند.

تبیین مثال دوم

در حدیث دوم، باید رابطه میان یاد مرگ و کاهش فشارهای روانی را تبیین کرد و توضیح داد که چگونه یاد مرگ می‌تواند فشارهای روانی را کاهش دهد. در بررسی خانواده حدیث این مثال، به دو وجه دست یافتیم که بر اساس آنها می‌توان رابطه یاد شده را این گونه توضیح داد:

الف) از آن جا که انسان، موجودی است لذت‌طلب، در مواجهه با سختی‌ها بی‌تاب می‌گردد. سختی و گرفتاری، دشمن لذت‌طلبی انسان است. در حقیقت، بخش مهمی از دردناکی سختی‌های زندگی، به خاطر جدا شدن از لذت‌هاست و لذا، هنگام بروز هر حادثه‌ای، فشار بیشتری بر انسان، وارد می‌شود. وقتی مدتی بگذرد، انسان به آن عادت کرده، هماهنگ می‌شود. به همین جهت، برای کاهش فشارهای روانی باید لذت‌طلبی وی را تعدیل کرد که یکی از مهم‌ترین عوامل آن، یاد مرگ است. یاد مرگ، یادآور ناپایداری لذت دنیا و سختی آخرت است و لذا، لذت‌طلبی را نابود می‌کند و بدین سان، انسان از فشار روانی نجات می‌یابد.

ب) وقتی محرومیت‌های زندگی موجب فشارهای روحی می‌گردد که انسان، دل‌بسته دنیا باشد. از این رو، برای کاهش فشارها باید انسان را نسبت به دنیا، بی‌رغبت ساخت. یکی از اموری که می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد، یاد مرگ است. یاد مرگ، موجب بی‌رغبتی انسان به دنیا می‌گردد. وقتی انسان دل‌بسته دنیا نبود. به خاطر محرومیت‌های آن، در تنگناهای روحی قرار نمی‌گیرد.

تبصره

در فرآیند تبیین و توضیح رابطه، می‌توان از مشورت و مطالعه نیز استفاده کرد.

نگاهی به دانش روز

در دوره‌های متفاوت، حدود ده بار رابطه آرزوهای دراز با رضامندی را مطرح کرده بود؛ اما تابستان امسال کتابی را مطالعه کردم که بر اساس آخرین تحقیقات، دانشمندان امریکایی اعلام کرده‌اند که آرزوهای بزرگ، سطح رضامندی را کاهش می‌دهد.^۱ این را از آن جهت بیان کردم که بدانید اگر

۱. در کتاب روان‌شناسی تبادلی (ص ۸۳) آمده است: خشنودی، حاصل تفاوت [اندک] بین پیشرفت‌ها و آرزوهاست... بر اساس این نظریه (نظریه تفاوت چندگانه Multiple Discrepancy Theory)، آرزوهای بزرگ، خشنودی را تهدید می‌کنند... بر اساس نظریه فاصله هدف با پیشرفت، آرزوهای بزرگ، به خشنودی کمتری منجر می‌شوند. البته طبق سایر نظریه‌ها، داشتن اهداف کلی، برای سلامت مفید هستند؛ اما باید هدف‌ها، مناسب و صحیح، انتخاب شوند.

شما روشمندان حرکت کنید، می‌توانید فراتر از زمان، به یافته‌هایی دست یابید که علم روز، در آینده به آن خواهد رسید. مهم این است که با علاقه و اشتیاق، متون دینی را مورد مطالعه قرار دهید و قوانین آن را کشف کرده، طبقه‌بندی نمایید.



كتاب نامه

١. اعلام الدين فى صفات المؤمنين، الحسن بن محمد الديلمى (م ٧١١ ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.
٢. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة، محمد باقر بن محمد تقى المجلسى (العلامة المجلسى) (م ١١١١ ق)، بيروت: مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ ق، دوم.
٣. تحف العقول عن آل الرسول عليه السلام، الحسن بن على الحرانى (ابن شعبة) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: على أكبر الففارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ١٤٠٤ ق، دوم.
٤. روان شناسى سادى، مايكل آرگايل، ترجمه: مسعود گوهرى اناركى [و ديگران]، اصفهان: جهاد دانشگاهى، ١٣٨٣ ش، دوم.
٥. علل الشرائع، محمد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، بيروت: دار إحياء التراث، ١٤٠٨ ق، أول.
٦. عيون أخبار الرضا عليه السلام، محمد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: السيد مهدى الحسينى اللاجوردى، تهران: منشورات جهان.
٧. عيون الحكم و المواعظ، على بن محمد الليثى الواسطى (ق ٦ ق)، تحقيق: حسين الحسنى البيرجندى، قم: دار الحديث، ١٣٧٦ ش، أول.
٨. غرر الحكم و درر الكلم، عبد الواحد الأمدى التميمى (م ٥٥٠ ق)، تحقيق: مير جلال الدين محدث أرموى، تهران: دانشگاه تهران، ١٣٦٠ ش، سوم.
٩. الكافى، محمد بن يعقوب الكلينى الرازى (م ٣٢٩ ق)، تحقيق: على أكبر الففارى، بيروت: دار صعب و دار التعارف، ١٤٠١ ق، چهارم.
١٠. كنز العمال فى سنن الأقوال و الأفعال، على المتقى بن حسام الدين الهندى (م ٩٧٥ ق)، تصحيح: صفوة السقا، بيروت: مكتبة التراث الإسلامى، ١٣٩٧ ق، أول.
١١. مسند الإمام زيد (مسند زيد)، المنسوب إلى زيد بن على بن الحسين عليه السلام (م ١٢٢ ق)، بيروت: منشورات دار مكتبة الحياة، ١٩٦٦ م، أول.